

قانون حقوق حیوانات در شاهنامه

اشرف‌السادات موسوی فرد^۱ علی عشقی سردهی^{۲*}، سعید روزبهانی^۳

^۱دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.

^{۲*}استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.

^۳استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران.

نویسنده مسئول: Email: eshghi@iaus.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۸ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰

چکیده

پیوستگی حیات جانوران به حیات انسان به گونه‌ای است که تاریخ تمدن، پیشرفت و مدنیت انسان جدا از وجود آن‌ها نیست. در زندگی روزمره، بزم و جشن، جنگ و نبرد، کسب پیروزی، پیمان صلح و دوستی، سوارکاری، صید و شکار، محافظت و پاسبانی، کاربردهای تزیینی و کاربردهای نمادین، حضور انواع جانوران را نمی‌توان نادیده گرفت. این حضور مستمر طبعاً نیازمند وضع قوانین و اجرای موازین است. قانون نیاز به ضمانت اجرایی دارد. در شاهنامه از فرمانروایی پیشدادیان تا ساسانیان در رابطه با حیوانات فرمان و دستور العمل اجرایی موجود است. موارد فراوانی به وجود قانون در این زمینه تصریح دارد. فرمان شاه در واقع وضع قانون بوده است. توجه به حقوق حیوانات با تدوین شاهنامه به اوج می‌رسد. حکیم ابوالقاسم فردوسی در میان قدما و معاصران خود بیش از سایرین به این موضوع پرداخته است. در ابیات بسیاری از شاهنامه به حقوق حیوانات اشاره شده است از جمله این حقوق، حق برخورداری از امن و امان، حق برخورداری از پرورش و خوراک مناسب، حق برخورداری از رفتار شایسته و خواندن حیوانات و پرندگان با صدای نرم و ملایم است. در این مختصر به پژوهش در نحوه رفتار با حیوانات و قوانین مربوط به آن پرداخته می‌شود. روش پژوهش، تحلیلی-توصیفی و بررسی داده‌ها بر اساس مندرجات شاهنامه است.

کلیدواژه: حقوق، حیوانات، قانون، تمدن، شاهنامه.

۱- مقدمه

از آغاز آفرینش جهان به استناد شاهنامه حضور حیوانات و پرندگان را در جهان خلقت پیش از خلقت انسان شاهد هستیم. زندگی انسان هیچ‌گاه از زندگی حیوانات جدا نبوده است. نقش حیوانات در سیر تحول، تمدن و مدنیت انکارناپذیر است. تهیه خوراک انسان، زندگی چوپانی یا به خدمت گرفتن حیوانات، جفت نگه داشتن حیوانات و ازدیاد آن‌ها، استفاده از شیر حیوانات که موجب ازدیاد نفوس شده و به کار گرفتن چهارپایان برای بارکشی و حمل و نقل موجب هم زیستی حیوان با انسان شده است. انواع جانداران همواره در کنار انسان حضور داشته‌اند و انسان از منافع بی‌شمار آن استفاده برده است. این حضور مداوم نیاز به قانون و ضمانت اجرایی دارد. ما نمی‌دانیم انسان اولیه در ارتباط و استفاده از حیوانات چه حد و حدودی رعایت می‌کرد. اما این پرسش مطرح است که آیا در جامعه اولیه مقام و منصبی برای قانون‌گذاری وجود داشت که آگاه به جوانب امور و مورد اطمینان در اطاعت باشد؟ از دوران ما قبل تاریخ تا دوره تاریخی حتی در جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها از وجود حیواناتی مانند شیر، یوزپلنگ و فیل به عنوان تاکتیک جنگی و نظامی و نوعی نمایش قدرت و برتری استفاده شده است. به این ترتیب حیوانات همانند انسان در حفظ و حراست سرزمین نقش داشته‌اند. هم‌چنین روز شکار و بزم از سگ‌های شکاری برای صید حیوانات کوه و دشت مانند آهو استفاده می‌کرده‌اند و گوشت صید را برای تهیه خوراک به کار می‌برده‌اند. علاوه بر سگ، حیوانات خانگی هم‌چون گربه به عنوان پاسبان در خانه و سرای مردم حضور داشته است. حیواناتی چون اسب دارای قداست بوده‌اند. تصویر یا مجسمه اسب بر دیوار معابد، ستون آتش‌کده‌ها و اماکن مقدس ترسیم و نصب می‌شده است. دل‌بستگی به حیوان از جمله اسب گاهی آن‌را تا حد یک محبوب جلوه‌گر می‌نماید. صاحب حیوان در قبال حیوان خود مسئول بوده است. اگر توسط حیوان مثلاً اسب به کشتزار یا محصول مردم صدمه می‌رسید قوانین مجازاتی بر چهارپا و صاحب آن اعمال می‌شده است. در زمان هرمزد و بهرام شاه نمونه‌هایی از این قبیل مجازات‌ها را داریم. طبق مکتوبات شاهنامه از عهد اساطیری تا دوران تاریخی در رابطه با حیوانات، نحوه رفتار و مراقبت آن‌ها قانون و فرمان صریح داشته‌ایم.

۲- بیان مسأله

روایات اساطیری ایران با پادشاهی کیومرث آغاز می‌شود. از قدیم‌ترین ایام از عهد کیومرث شاه و هوشنگ تا دوره متأخر دست‌ورالعمل مشخص در رابطه با حیوانات و پرندگان داریم. قوانین وضع شده ضمانت اجرایی داشته با دقت و رعایت عدالت در مورد همه افراد جامعه یکسان اعمال می‌شده است تا مردم و اموال آنان در امن و امان باشد. گذشته از روزمرگی‌ها نقش حیوانات در ادبیات به ویژه در ادب رمزی، نمادین و عرفانی هم قابل توجه است. در این میان ژانر ادبی فابل جایگاه ویژه‌ای دارد که شخصیت‌ها و قهرمانان داستان را حیوانات تشکیل می‌دهند به گونه‌ای که حیوانات مختلف با ویژگی‌ها، عملکرد و صفات بارزشان جایگزین انسان می‌شوند. زندگی غریزی معمولاً به وسیله حیوانات نمادین می‌شود. در آثاری مانند کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه قهرمان داستان‌ها را سگ، گربه، شغال، گرگ، شیر، ببر، پلنگ، گاو، زاغ، موش، مار و مور تشکیل می‌دهند. یا منطق‌الطیر با شخصیت‌هایی از انواع پرندگان که به حضور سیمرغ می‌رسند. سیمرغ پرنده‌ای که نامش از باستان در اوستا با واژه سئنه آمده است و به عقاب ترجمه می‌شود. تصویر عقاب از باستان بر پرچم ایران و گاه بر سکه‌ها نقش بود به این ترتیب حیوانات و پرندگان از زندگی روزمره در جهان واقعیت فراتر رفته به دنیای بی‌کران نمادها می‌رسند که هر یک بحثی جداگانه و مفصل را می‌طلبد. نگرش به حضور همواره انواع جانوران در کنار انسان از باستان و از زمان پیشدادیان تا ساسانیان بررسی قانون حقوق حیوانات در شاهنامه را الزام می‌بخشد به ویژه که پژوهش‌های انجام شده در موضوع حیوانات در شاهنامه معمولاً با رویکرد بررسی کهن الگوها، توتیم شناسی و نقش تمثیلی و نمادین حیوانات است.

۳- پیشینه تحقیق

پژوهش‌های زیست محیطی با محوریت شاهنامه در سال‌های اخیر کم نبوده است. رساله‌ها و مقاله‌هایی تحت عنوان: تحلیل رابطه انسان با طبیعت، بررسی چگونگی هم‌سویی انسان و محیط زیست در شاهنامه، اهمیت محیط زیست در شاهنامه، هم‌چنین اولین کنفرانس جهانی سازمان ملل درباره انسان و محیط زیست در سال ۱۳۵۱ ش. حق برخورداری انسان از محیط زیست سالم را هم تراز حقوق بشر شناخته است. حیوانات و جانوران بخشی از محیط زیست هستند. تحقیقات انجام شده برای حضور انواع حیوانات و پرندگان در شاهنامه معمولاً با رویکرد نقش تمثیلی و نمادین است. هم‌چنین بررسی جایگاه جانوران و حیوانات در فرهنگ ایران‌شهری و در شاهنامه را می‌توان نام برد اما در زمینه قانون حقوق حیوانات در شاهنامه موردی یافت نشد.

۴- پرسش‌های تحقیق

پرسش‌های فراوان پیرامون مبحث وجود دارد برای نمونه:

- ۱- شاهنامه چه نقشی برای انسان در ارتباط با حیوانات تعریف کرده‌است؟
- ۲- آیا حدود بهره‌برداری از حیوانات و موجودات محیط زیست در شاهنامه تعیین شده‌است؟
- ۳- وضع قانون حقوق حیوانات در شاهنامه نخستین بار توسط چه شخص یا مقامی صورت گرفته‌است؟

۵- فرضیه‌های تحقیق

۱. انسان در طبیعت نقش دو سویه دارد. از طرفی عامل تخریب و نابودی طبیعت و موجودات است. از سوی دیگر نقش سازندگی دارد به ساخت، تولید و بازسازی محیط و موجودات طبیعت اقدام می‌نماید. خلاقیت، دانش و نبوغ انسان می‌تواند سازنده باشد اگر در پی تامین نیازهای جسمانی و مادی صرف نباشد.
۲. اندیشه بهره‌وری بهینه از طبیعت و منابع طبیعی محیط زیست که حیوانات و جانوران بخشی از آن هستند دغدغه انسان است. هر فردی در قبال حفظ و نگهداری منابع طبیعی و محیط زیست مسئول است حفظ میراث آیندگان مسئولیت همه ماست.
۳. به استناد مکتوبات شاهنامه شاه در جامعه نخستین واضع قانون است.^۱

۶- روش تحقیق

تحقیق حاضر با روش تحلیلی-توصیفی به شیوه کتابخانه‌ای فراهم آمده است. بر اساس داده‌ها و مندرجات شاهنامه به تبیین مسأله پرداخته شده است شاهنامه به عنوان یک کل منسجم مطرح و مدنظر است که از طریق استدلال قیاسی بر اساس شواهد و نمونه‌ها از کل به جز می‌رسیم.

۷- بحث و بررسی متن

در سلسله مراتب خلقت پس از آفرینش چهار گوهر؛ (آتش، باد، آب، خاک)، گنبد گردنده، افلاک، دریا، کوه‌ها، آب‌ها، دشت، راغ، گیاهان و درخت‌ها، جنبندگان پدید می‌آیند. پس از آن نوبت به آفرینش مردم می‌رسد. حکیم در مورد جنبندگان درمبحث آفرینش عالم می‌فرماید:

و زان پس چو جنبنده آمد پدید	همه رستنی زیر خویش آورید
خور و خواب و آرام جوید همی	و زان زندگی کام جوید همی
نه گویا زبان و نه جویا خرد	ز خار و ز خاشاک تن پرورد
ندانند بد و نیک فرجام کار	نخواهد از و بندگی کردگار
چو دانا توانا بد و دادگر	ازیرا نکرد ایچ پنهان هنر

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۷/۱)

حیوانات زبان گویا و قوه ناطقه ندارند. از خوب و بد عاقبت کار آگاه نیستند. زندگی حیوانات غریزی است. به همین جهت خداوند آفریننده از آن‌ها بندگی نمی‌خواهد؛ تکلیف از حیوانات ساقط است. حکیم بلافاصله اشاره به قدرتمندی و دادگری خداوند دانا نموده می‌فرماید از آن‌جا که خداوند دانا، توانا و دادگر بود هنرش را پنهان نکرد. آیات بسیاری در قرآن عظیم اشاره به این امر دارد. از جمله (نور/ ۴۵) می‌فرماید: *وَ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ... إِنَّ اللَّهَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ*، و خداست که هر جنبنده‌ای را از آبی آفرید. پس پاره‌ای از آن‌ها بر روی شکم راه می‌روند، پاره‌ای از آن‌ها بر روی دو پا و برخی بر روی چهارپا راه می‌روند. خدا هر چه خواهد می‌آفریند. در حقیقت خدا بر هر چیزی تواناست. (جاثیه / ۴) می‌فرماید: *وَ فِي خَلْقِكُمْ وَ مَا يَبُتُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ* * و در آفرینش خودتان و آن چه از انواع جنبنده‌ها پراکنده می‌گرداند برای مردمی که یقین دارند نشانه‌هایی است.

به استناد آیات الهی، آفرینش حیوانات گوناگون نشان از هنر و خلاقیت خداوند دادگر دانا و توانا دارد. خطبه ۱۶۷ نهج البلاغه حاکی از مسئولیت انسان در قبال حیوانات است: *اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبُهَائِمِ* * (رضی، ۱۳۷۴: ۲۴۲). از خدا بترسید درباره بندگانش و شهرها همانا شما مسئول هستید. حتی در قبال ساختمان‌ها و حیوانات مورد سؤال قرار می‌گیرید.

حکیم در شاهنامه به طرح کلیات مسایل پرداخته است. از آن‌جا که شاهنامه تنها یک کتاب حقوقی یا کتاب قانون نیست و تعلق به برهه خاص زمانی ندارد جزئیات مسایل و مباحث از جمله جزئیات مباحث حقوقی را مشاهده نمی‌کنیم یا کمتر شاهد هستیم. در هر زمینه فقط یک اشاره داریم. شاهنامه از آغاز سخن می‌گوید. از اولین‌ها و این که آیین تخت و کلاه را کیومرث آورد. نکته مهم در حاکمیت کیومرث‌شاه این است که از جانب یزدان توسط سروش برای او پیام می‌آید «یکایک بیامد خجسته سروش، پیام آمد از داور کردگار» (ن.ک: فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۳/۱ و ۲۲). کیومرث پیام خداوند را می‌گیرد و طبق آن عمل می‌کند. نکته مهم دیگر این که پادشاهان بعدی به غیر از ضحاک از نسل کیومرث هستند. تا پایان راه شاهنامه نسل همه پادشاهان به کیومرث‌شاه می‌رسد؛ فریدون از نسل طهمورث است. لهراسب منتصب کیخسرو از نسل هوشنگ است و ساسان فرزند دارا از نبیرگان لهراسب است. این پادشاهان اولین قانون‌گذاران جامعه هستند.

۷-۱- موقعیت جانوران در زمان کیومرث شاه

کیومرث مایه آرام و قرار هر جانور است. این اولین قانون و رعایت حق و حقوق جانوران است که مطرح می‌شود. پادشاه در رأس هرم جامعه به عنوان اول شخص صاحب قدرت و فرمان، ناظم، ناظر و مجری قانون است. اولین عامل به اجرا و انجام قانون می‌شود و الگوی رفتاری برای سایرین می‌گردد.

پژوهنده نامۀ باستان	که از پهلوانان زند داستان
چنین گفت کایین تخت و کلاه	کیومرث آورد و او بود شاه
به گیتی درون سال سی شاه بود	به خوبی چو خورشید بر گاه بود

دد و دام هر جا نور کش بدید ز گیتی به نزدیک او آرمید
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۱/۱)

کیومرث اولین پادشاه شاهنامه است. سی سال در جهان پادشاهی دارد. هم‌چون خورشید بر تخت شاهی می‌درخشد. هر جانور از وحشی تا اهلی به نزدیک او می‌آرمید. حریم او جای آرمیدن بود. چنان‌که از مفهوم سخن برمی‌آید کیومرث مورد اقبال و پیروی جمع قرار دارد. در تقسیم‌بندی‌های معمول «شاهنامه به سه دوره اساطیری، پهلوانی، تاریخی تقسیم می‌شود» (صفا، ۱۳۷۹: ۲۰۶). «اسطوره به زمان ازلی برمی‌گردد» (بهار، ۱۳۷۶: ۴۵۳؛ الیاده، ۱۳۸۴: ۱۱۶). «رتبه - در کیومرث یا کیومرث مفهوم نظم قانونی و مقدس دارد» (دوست‌خواه، ۱۳۷۰، ۱ / ۴۲۴؛ اوشیدری، ۱۳۷۸: ۴۱۴). برخی کیومرث شاه را معادل آدم (ع) در قرآن می‌دانند (ر.ک: طبری، ۱۳۶۲: ۱ / ۹۳؛ ثعالبی، ۱۳۷۲: ۳۷؛ بیرونی، ۱۳۶۳: ۱۴۰). در شاهنامه بیشتر از آن‌چه سخن گفته شده داریم سخن ناگفته درون متن موجود است که باید از دل متن بیرون کشیده شود. از جمله همین سخن که می‌فرماید وجود شاه مایه آرام و قرار هر جانور است. وقتی تمام موجودات از وحشی و اهلی نزد آن شاه آرام و قرار می‌گیرند هر یک از افراد می‌باید چنین رفتاری داشته باشد و موجب آرام و قرار هر جانور شود. فقط در یک مورد می‌توان با جانوران مقابله کرد؛ آن‌گاه که پای جان انسان در میان باشد. به گزارش شاهنامه وقتی دیو سیاه به جنگ سیامک پسر کیومرث می‌آید، شاهزاده جوان با او مقابله می‌کند اما به دست دیو از پای در می‌آید (فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۲/۱)، رستم در خوان سوم با اژدها مبارزه می‌کند سر اژدها را از بدن جدا می‌نماید، اسفندیار در خوان اول مبارزه دو گرگ و در خوان دوم دو شیر را از پای در می‌آورد.

۲-۷- ادراک و احساس حیوانات

به گزارش حکیم در شاهنامه حیوانات دارای ادراک و احساس هستند. زمانی‌که سیامک پسر کیومرث شاه به دست دیو سیاه کشته می‌شود و شاه سوگوار است، لشکریان به درگاه شاه صف کشیده به سوگواری می‌پردازند، حیوانات هم با لشکریان همراه گشته در سوگواری شریک می‌شوند، آن‌ها غم و درد کیومرث را درک می‌کنند:

خروشی بر آمد ز لشکر به زار کشیدند صف بر در شهر یار
دد و مرغ و نخجیر کشته گروه برفتند و یله کنان سوی کوه
برفتند با سوگواری و درد ز درگاه کی شاه بر خاست گرد
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۳/۱)

۳-۷- جفت نگه داشتن و پرورش حیوانات سودمند

بهره‌برداری انسان از طبیعت که جانوران و حیوانات بخشی از آن هستند شبکه‌ای از ارتباطات به وجود می‌آورد و به تعامل دو جانبه منجر می‌گردد. در این شبکه ارتباطی قوانین و ضوابطی لازم‌الاجرا می‌شود. برای مثال در ارتباط دو جانبه میان انسان با حیوانات و پرندگان نحوه تعامل به گونه‌ای تبیین می‌شود که هر دو سوی شبکه ارتباطی برخوردار گردد. شاه به عنوان حاکم و حکمران در رأس هرم و دستگاه دولت، جهت‌مند عمل می‌کند و به جامعه جهت می‌دهد. لذا به وضع قوانین و اجرای ضوابط و معیارهای مشخص می‌پردازد.

بدان ایزدی فر و جاه کیان ز نخجیر گور و گوزن ژیان
جدا کرد گاو و خر و گوسپند به ورز آوری آن چه بد سودمند
بدیشان بورزید وزیشان خرید همی تاج را خویشتن پرورید
بدین گونه از چرم پویندگان بپوشید بالای گویندگان
برنجید و گسترده خورد و سپرد برفت و جز از نام نیکی نبرد

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۳۱/۱)

هوشنگ نوه کیومرث شاه به پرورش گاو، خر و گوسفند می‌پردازد. آن‌ها را از سایر حیوانات نخجیر مانند گور و گوزن جدا می‌کند. هم‌چنین از حیواناتی که موی نرم دارند و از چرم چهارپایان برای پوشش انسان استفاده می‌شود. شاهنامه تصحیح ژول مول در یک بیت هوشنگ تاکید دارد حیوانات را به صورت جفت با هم نگاه دارند که نکته قابل توجهی است: جهان‌دار هوشنگ باهوش گفت / بداریشان را جداجفت جفت (ر.ک: فردوسی، ۱۳۷۴: ۲۰/۱). جفت نگه داشتن حیوانات گذشته از ازدیاد و تکثیر، الزام به رعایت حقوق جانوران است. بعد از برخورداری از امن و آرام، زندگی با هم نوع و داشتن جفت از حقوق

بدیهی جانوران شمرده می‌شود. فرمان شاه به منزله وضع قانون و آموزش مردم است. کارکرد تعلیمی و تربیتی شاهنامه انکار ناپذیر است (ر.ک: خلیلی و دهرامی، ۱۳۹۰: ۴۱-۵۸). در کتاب تاریخ تمدن در مبحث عوامل اقتصادی تمدن از شکار تا برزیگری آمده است:

در آخرین تحلیل مدنیت به این نکته می‌رسیم که خوراک انسان و تهیه آن بنیاد تمدن را تشکیل می‌دهد. هنگامی بشر توانست گوهر انسانی خود را آشکار کند که زندگی او از مرحله متزلزل شکار خارج شده به مرحله ثابت حیات چوپانی درآمد. در این شکل جدید زندگی مزایای گران‌بهای نصیب او شد که عبارت است از اهلی کردن حیوانات، تربیت دام‌ها و استعمال شیر، پس از آن بشر به جایی رسید که معجزه تولید مثل را تحت سرپرستی قرار داد و از یک جفت حیوان نر و ماده گله‌ای فراهم آورد (دورانت، ۱۳۶۷: ۱۰/۱).

به استناد شاهنامه در زمان هوشنگ، مردم به کشاورزی می‌پردازند، نان می‌پزند و گله‌داری می‌کنند. متون کهن در توضیح واژه هوشنگ آورده‌اند: «هوشنگ در اوستا همیشه لقب پسرانه دارد. ترجمه پهلوی آن پیشداد است به معنی کسی که نخستین بار قانون شاهی را معمول کرد یا کسی که نخستین بار قانون گذارد» (پورداد، ۲۵۳۶: ب: ۱۷۹/۱؛ کریستن سن، ۱۳۷۷: ۱۶۸). ابن مسکویه در مورد هوشنگ می‌نویسد: «او شهنگ همان است که جانشین نیای خود کیومرث شد و هفت کشور را به هم پیوست به کارها سامان بخشید و پیشدادش خواندند که نخستین در شیوه دادگری است» (ابن مسکویه، ۱۳۶۹: ۵۵). حمد الله مستوفی می‌نویسد: «به سبب آن که هوش و هنگ یعنی دانایی بسیار داشت او را هوشنگ خوانند. در عدل و داد کوشید و در ظلم و جور در بست. چون پیش از او داد ندیده بودند او را پیشداد لقب کردند» (مستوفی، ۱۳۶۱: ۸۲). واژه داد به معنی قانون از دیر باز به کار رفته و در زبان عبری به صورت دات بوده است. داد به معنی قانون و آیین در زمان داریوش و اردشیر اول به کار رفته است (او مستد، ۲۵۳۷: ۱۶۳). ابن کاربرد رادر یک داد نامه کهن ایرانی می‌یابیم که واژه دات را برای قانون به کار می‌برد و عنوان آن «ویدیو دات یا قانون ضد دیو است» (همان: ۱۷۶). از توضیحات فوق برمی‌آید هوشنگ پیشرو در امر قانون‌گذاری است؛ قانون و آیین نو و نیکو نهادن، فرزند هوشنگ و جانشینان او نیز بر این منوال پیش می‌روند:

ز پویندگان هـ	که بد نیک رو	خورش کردشان سبزه و گاه و جـ
ر مـ	نده دادن را همه بنگرید	سیه گوش و یوز از مـ
به چاره بیابودش از دشـ	ت و کوه	به بند آمدند آن که بد زان گروه

(همان: ۳۵/۱)

طهمورث پسر هوشنگ خیل درندگان را می‌نگرد، از آن میان سیاه گوش و یوز را برمی‌گزیند. سیاه گوش «جانوری است درنده که سلاطین و امرا بدان شکار کنند» (برهان، ۱۳۶۲: ۱۲/۲۰۰). فرهنگ زبان پهلوی و فارسی «یوز را به یوزپلنگ ترجمه کرده است» (فره وش، ۱۳۸۱: ۶۵۱؛ معین، ۱۳۷۵: ۵۲۷۳/۴). حیوانات وحشی از جمله ثروت‌های ملی محسوب می‌شوند. از پادشاهان اساطیری تا پادشاهان ادوار تاریخی به این امر واقف بوده‌اند. از این رو به حفظ، مراقبت و تکثیر آن همت گماشتند. شاپور اول ساسانی در نیمه قرن سوم میلادی می‌گوید:

من دریافتم عوامل ثروت کشورهای من فقط زر، سیم، کشتزار و دام نیست بلکه جانوران وحشی هم از عوامل ثروت مملکت می‌باشد. این بود که در بعضی از مناطق، شکار حیوانات وحشی را ممنوع نمودم چون در دوره چهارصدساله که کشورهای ایران تحت سلطه اشکانیان بود طوری جانوران وحشی را شکار کرده بودند که نسل بعضی از انواع آن‌ها از بین رفت. نسل کرگدن، زرافه، درناهای بزرگ و چند نوع گوسفند وحشی در کشور ایران منقرض گردید. این بود که درصدد برآمدن نسل آن گروه جانوران وحشی را که هنوز از بین نرفته بود حفظ نمایم. برای این که به مردم سرمشق بدهم مدت چندسال نه خود جانوران وحشی را شکار کردم نه به فرزندان خود اجازه شکار آن جانوران را دادم (موله و همکاران، ۱۳۸۱: ۲۰۷۳/۴).

هم‌چنین می‌گوید: «در زمان سلطنت پدرم اردشیر پرستنده اهورا مزدا چون نام او شیر بود، در تمام کشورهای پدرم شیرها آزاد بودند. کسی مجاز نبود آن‌ها را صید کند. مجازات صید شیر، قتل بود. پس نسل آن جانوران به خصوص در خوزستان و ایلام فراوان شد» (همان، ۱۸۹۴). به نقل از شاپور اول در تاریخ ثبت است: «تالچ که امروز تالش می‌گویند از مراکز بزرگ پرورش گوزن بود. سربازان تالش در زمستان چرم می‌پوشیدند و آن چرم را از گوزن‌های خود به دست می‌آوردند» (همان، ۲۴۲۹). پرورش و تکثیر حیوانات جنبه اقتصادی و ثروت‌زایی دارد. می‌تواند مولد ثروت باشد. چنان‌که «در دوره ساسانیان از اقلام مهم صادرات ایران به کشورهای جهان، اسب و قاطر بود» (همان، ۲۳۲۰).

۷-۴- فرمان شاه در نحوه رفتار با پرندگان

طبق مستندات شاهنامه از روزگار باستان در نحوه رفتار با پرندگانی هم‌چون باز و شاهین فرمان و قانون صریح داریم.

ز مرغان همان آن که بد نیک ساز	چو باز و چو شاهین گردن فراز
بیابود و آموختن شان گرفت	جهانی بدو ماند اندر شگفت
بفرمودشان تا نوازند گرم	نخوانندشان جز به آواز نرم
چو این کرده شد ماکیان و خروس	کجا بر خروشد گه زخم کوس

بیاورد و یک سر چنان چون سزید
 نهفته همه سودمندی گزید
 (فردوسی، ۱۳۸۶: ۳۶/۱)

طهمورث برای اولین بار به پرورش پرندگانی چون باز و شاهین می‌پردازد. فرمان صریح می‌دهد رفتار و گفتار شایسته و نرم با پرندگان داشته باشند، جز با صدای نرم و مناسب این پرندگان را نخوانند. هم‌چنین پرورش ماکیان و خروس را رواج می‌دهد. فرمان شاه وضع قانون و جهت دادن به رفتارهای اجتماع است. طهمورث از پیشدادیان، پیشرو در پرورش باز و شاهین است. «باز پرندۀ شاهان و مشتق از واژه اوستایی وَز به معنای پرنده است. باز به ملوک مخصوص‌تر است که به دیگر مردمان و باز را حشمتی است که پرندگان دیگر را نیست» (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۸۵). «شاهین پرنده‌ای باشد شکاری، دوبار به نام سَنین در اوستا یاد شده، اوستاشناسان اروپایی آن را به معنی عقاب برگردانده‌اند. صفت شاهین از واژه شاه درآمده، این پرنده به مناسبت شکوه، توانایی و تقدس، شاه مرغان خوانده شده‌است» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴۰۹۸/۹). پرورش حیوانات سودمند نقش دوجانبه دارد. از یک سو موجب برخورداری حیوانات می‌شود، از سوی دیگر انسان از فواید آن بهره‌مند می‌گردد.

۵-۷- استفاده از شیر حیوانات

از مزایای پرورش حیوانات سودمند استفاده از شیر آن‌ها است.
 بز و اشتر و میش را هم چنین
 همان گاو دوشا به فرمان بری
 به شیر آن کسی را که بودی نیاز
 به دوشندگان داده بد پاک دین
 همان تازی اسبان هم چون پری
 بدان خواسته دست بردی دراز
 (فردوسی، ۱۳۸۶: ۴۶/۱)

آن که به شیر نیاز داشت، نیاز خود را با استفاده از حیوانات رفع می‌کرد. در کتاب تاریخ تمدن می‌خوانیم: «شیر حیوانات این فرصت را برای زنان ایجاد کرد که دوره شیر دادن کودکان را کوتاه‌تر سازند. با پیدا شدن این ماده مرگ و میر اطفال کمتر شد و غذای جدیدی در اختیار انسان قرار گرفت که می‌شد روی آن حساب کرد. همه این موارد سبب شد، نفوس فزونی پذیرد و زندگی ثابت‌تر و منظم‌تر گردد» (دورانت، ۱۳۶۷: ۱۲/۱).

۶-۷- استفاده از اسب و سوارکاری

در ایران از باستان اسب و پرورش آن مورد توجه است تا جایی که نام پادشاهان و اشخاص ترکیب یافته با واژه اسب است؛ لهراسب، گشتاسب، گشاسب، جاماسب، شیداسب. هم‌چنین سوارکاری و آیین رزم‌آوری جزو آموزش‌های رسمی جوانان به شمار می‌آمد.
 از اسپان تازی به زرین ستام
 شب و روز بودی دو بهره به زین
 ورا بود بیور که بردند نام
 ز راه بزرگی نه از راه کین
 (فردوسی، ۱۳۸۶: ۴۶/۱)

چنان‌که باز و شاهین در میان پرندگان ارج و قرب به سزایی دارد، اسب در میان چهارپایان از اهمیت ویژه برخوردار بوده‌است. پادشاهان به اسب اهمیت بسیاری داده‌اند. برای نمونه ضحاک دارنده ده هزار اسب است. از این رو لقب بیور اسب دارد. بیور یک واژه پهلوی و در فارسی دری به معنی ده هزار می‌باشد. ضحاک دوبهره از شبانه‌روز برزین اسب نشسته به سوارکاری می‌پردازد. یا دو سهم از اسب‌ها همواره به زین و آماده بودند. اهمیت اسب نزد پهلوانان و سپاهیان هم بسیار درخور توجه است. اسب باید درخور شأن و مرتبه پهلوان باشد. برای مثال گرفتن رستم، رخس را حکایت از هم طراز بودن اسب با سوار دارد (همان: ۳۳۵/۱).

۷-۷- استفاده از حیوانات در جنگ و بزم:

حیوانات در نبردهای خون‌خواهی و کسب پیروزی نقش مؤثر و مثبت دارند.
 پری و پلنگ انجمن کرد و شیر
 سپاه دد و دام و مرغ و پری
 ز درندگان گرگ و ببر دلیر
 سپهدار با کبر و گنداوری
 نبیره به پیش اندرون با سپاه
 شده سست وز خشم گیهان خدیو
 پس پشت لشکر کیومرث شاه
 ز هرای درندگان چنگ دیو

به هم در فتادند هر دو گروه
شدند از دد و دام دیوان ستوه
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۵/۱)

هنگام کین خواهی سیامک و رفتن به جنگ دیو سیاه حیوانات شرکت دارند و نقش به‌سزایی در پیروزی بر عهده دارند. کیومرث لشکری به سرداری هوشنگ پسر سیامک تدارک می‌بیند و به جنگ دیو سیاه می‌روند. در این جنگ همه حیوانات از وحشی تا اهلی شرکت دارند و لشکر شاه را همراهی می‌کنند. چنان‌که از هجوم و حمله آن‌ها دیوها به ستوه می‌آیند.

بزد مهره بر کوهه ژنده پیل
هم از پیش پیلان تبیره زنان
زمین جنب جنبان چو دریای نیل
خروشان و جوشان و پیلان دمان
(همان: ۱۴۱/۱)

در جنگ‌های خون‌خواهی ایرج، پادشاه ایران به سرداری منوچهر شاهد حضور فیل و شیر در صفوف لشکریان ایران هستیم.
پس پشت شاه اندر ایرانیان
به پیش سپاه اندرون پیل و شیر
یکایک به کردار شیر ژبان
پس ژنده پیلان یلان دلیر
(همان: ۱۵۵/۱)

پس از پیروزی در نبرد و آمدن به درگاه فریدون نیز شاهد حضور فیل‌ها و شیرها در لشکر منوچهر هستیم. در جشن و شادمانی هم حیوانات سهیم هستند و در کنار شاه حضور دارند. در عهد تاریخی هم این حضور را مشاهده می‌کنیم. مانند: حضور فیل‌ها در لشکر نوشین روان

ز جوش سواران و از گرد پیل
همی بر شد آوازشان بر دو میل
زمین شد به کردار دریای نیل
به پیش سپاه اندرون کوس و پیل
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۲۷/۷)

هنگام لشکر کشیدن نوشین روان به جنگ قیصر، فیل‌ها نقش بارزی به عهده دارند. حضور حیوانات در کنار انسان‌ها از دوران اساطیری به دوران پهلوانی و راه یافتن به دوران تاریخی قابل توجه است. گویی حیات انسان‌ها هرگز از حیات حیوانات جدا نبوده است. بلکه دوشادوش هم از اساطیر به تاریخ راه یافته‌اند. طبق مستندات تاریخ «بزدگرد پس از حمله اعراب وقتی از پایتخت می‌رود هزار طباخ، هزار رامشگر، هزار یوزبان، هزار بازبان و جماعتی کثیر از خدمه همراه دارد، شاهنشاه این گروه را کم می‌داند» (کریستن سن، ۱۳۸۰: ۳۶۱؛ اصفهانی، ۱۳۶۷: ۵۹).

۷-۸- حضور گربه در صحن و سرای مردم

مباحثی از شاهنامه به حضور حیواناتی مثل گربه اشاره دارد که با امنیت در خانه و سرای مردم زندگی می‌کردند.

چو آمد به ری مرد نا تن درست
بفرمود تا ناودان‌های بام
دل و دیده از شرم یزدان بشست
وز آن پس همه گریگان را بکشت
بکنند و او شد بدان شادکام
همی گفت اگر ناودانی به جای
دل کدخدایان بدان شد درشت
ز بر شان همه سنگ بر سر زخم
بدان بوم و بر آتش اندر زخم
خداوند او را فکندی به غم
همی جست هر جا که بد یک درم
دل از بوم آباد برداشتند
همه خانه از موش بگذاشتند
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۳۷/۸)

در زمان خسرو پرویز مدتی، یک زشت شوم پی به مرزبانی ری گمارده شد. او همین که به ری رسید فرمان داد ناودان بام خانه‌های مردم را کنند. پس از آن به کشتن گربه‌ها اقدام کرد. سپس در شهر جار زد اگر ناودانی به جا ببیند یا گربه‌ای در سرای مردم بیاید آن بوم و بر را آتش می‌زند و صاحب خانه را سنگ سار می‌کند. علاوه بر این سرمایه مردم را از جنگ آنان بیرون می‌آورد. به این ترتیب وقتی باران می‌بارید ناودانی برای هدایت آب نبود و گربه‌ای برای پاسبانی در سرای مردم نماند. مردم از ترس خانه و دیار خود را رها کردند و رفتند. از کارهای آن زشت شوم پی، شهرآباد ری یک سر خراب شد. از ابیات چنان به دست می‌آید که در اغلب خانه‌ها گربه وجود داشت. حداقل نقش گربه در سرای مردم محافظت و پاسبانی خانه از موش و سایر جانوران زیان‌آور بود.

۹-۷- حضور سگ‌های شکاری در لشکر خسرو پرویز

علاوه بر انبوه جانوران از اسب، شیر، شتر، یوز، باز و شاهین تعداد بسیاری سگ‌های تعلیم دیده در لشکر خسرو پرویز حضور داشتند که روز شکار، شاه و اطرافیان را همراهی می‌کردند.

چنان شد که یکرز پرویزشاه بیاراست بر سان شاهنشهان چو بالای سیصد به زرین ستام هزارو صد و شصت خسرو پرست هزار و چهل چوب و شمشیر داشت پس اندر دوان هفتصد بازدار وز آن پس برفتند سیصد سوار به زنجیر هفتاد شیر و پلنگ پلنگان و شیران آموخته قلاده به زر هفتصد بود سگ	همی آرزو کرد نخجیر گاه که بودند ازو پیش‌تر در جهان ببردند با خسرو نیک نام پیاده همی رفت ژوپین به دست که دیبا زیر و زره زیر داشت ابا و اشنه و چرخ و شاهین کار پس از باز داران همه یوزدار به دیبای چین اندرون بسته تنگ به زنجیر زرین دهان دوخته که در دشت آهو گرفتی به تگ (فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۶۱/۸)
--	---

در روز شکار، هفتصد بازدار با انواع باز و شاهین، سیصد یوزدار، هفتاد شیر و پلنگ تعلیم دیده که دهانشان به زنجیر طلائی بسته است و هفتصد سگ با قلاده زرین، شاه و لشکر را همراهی می‌کنند. از وجود سگ‌ها برای شکار استفاده می‌شد. طبق (مائده / ۴) صید سگ شکاری حلال است؛ *قُلْ أَجِلْ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ مَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ: بگو چیزهای پاکیزه برای شما حلال است و صید حیوانات شکارگر که شما به عنوان مربیان سگ‌های شکاری از آن چه خدایتان آموخته به آن‌ها تعلیم داده‌اید.*

حضور سگ در کنار انسان به دوران پیش از تاریخ می‌رسد. به گفته مورخان غربی «می‌شود درباره بلندپایگی سگ که در جاهای دیگر شرق پست و ناپاک شمرده می‌شد ولی در فلات ایران چون یک عضو گرامی خانواده به شمار می‌آمد با مسئولیت‌های معین و پادشاه‌های فراخور رجز خوانی کرد» (اومستد، ۲۵۳۷: ۲۳). گذشته از سگ و حیوانات فراوان، عجایب دوازده گانه بارگاه خسرو، ورد زبان مورخان اروپایی و عرب است. تعدادی از عجایب به حیوانات مربوط می‌شود. مانند: درفش کاویان، گنج گاو، فیل سفید و شب‌دیز، شب‌دیز اسب معروف خسرو پرویز است. خسرو چنان این اسب را دوست داشت که سوگند یاد کرده بود هر که خبر هلاکتش را بیاورد او را به قتل خواهد رساند. روزی که شب‌دیز مرد، میرآخور هراسان شده به باربد رامشگر پادشاه پناه برد. باربد ضمن آوازی واقعه اسب را با ابهام و تلویح گوشزد کرد، شاه فریاد برآورد ای بدبخت مگر شب‌دیز مرده است، باربد گفت شاه خود چنین می‌فرماید (ن: ک: کریستن سن، ۱۳۸۰: ۳۳۰). ابن حوقل در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «نقش آسی به زیباترین شکل ممکن بر کوه بیستون است، مردم معتقدند نقش اسب خسرو به نام شب‌دیز است» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۱۶).

۱۰-۷- حضور انواع حیوانات در لشکر یزدگرد و شمار هزینه‌ها

سگ و یوز و باز ده و دوهزار به سالی همه دشت نیزه وران که او را ببااید به یوز و به سگ سگ و یوز او بیشتر زان خورد	که با زنگ زرنده و با گوشوار نیابند خورد از کران تا کران که در دشت نخجیر گیرد به تگ که شاه آن به چیزی همی نشمرد (فردوسی، ۱۳۸۶: ۴۲۳/۸)
---	--

رستم از سرداران سپاه یزدگرد اظهار می‌دارد، دوازده هزار سگ، یوز و باز با زنگ و گوشوار طلا در لشکر یزدگرد پادشاه ایران وجود دارد که جزو دارایی‌های شاه محسوب می‌شود و خوراک یک‌ساله اعراب به اندازه مصرف یک روزه این حیوانات نمی‌شود. خالقی مطلق در توضیح آن نوشته‌است «خوراکی که باید روزانه به سگ، یوز و باز شاه ایران داد به اندازه مصرف یک ساله همه تازیان است» (خالقی مطلق، ۱۳۸۹: ۲۸۲/۱۱). به اعتبار ابیات، سگ و یوز پادشاه ایران بیشتر از آن می‌خورد که پادشاه آن را به چیزی بشمارد. روی دیگر سخن حکایت از آن دارد که هزینه‌های مربوطه برآورد شده در شمار می‌آمد. قطعاً میزان مشخصی بودجه به آن اختصاص می‌یافت. وقتی هزینه بودجه مشخص داشته به طور حتم قوانین خاص خود را هم داشته است. کمترین سود

نگهداری حیوانات مختلف در دستگاه پادشاهان حفظ نسل و تکثیر نژاد آن‌ها بوده است. به استناد مکتوبات شاهنامه پیش از ورود اسلام در ایران قانون و لایحه برای نگهداری و مراقبت حیوانات مختلف و تأمین هزینه‌های آن در سطح کشور داشته‌ایم. آثار دیگر هم به این امر اشاره دارد؛ در کتاب دینکرد به وجود قانون در این زمینه تصریح شده است. کریستن سن به استناد کتاب دینکرد می‌نویسد «چنان‌که معلوم است ایرانیان باستان، سگ را محترم می‌شمردند. قسمتی از نسک «دزد سر نژد» راجع به محافظت قانونی سگان گله بوده‌است. نسبت به شماره گوسفندان، احوال شبانان و لزوم نگهداری سگان گله قواعد ثابتی وضع کرده بودند» (کریستن سن، ۱۳۸۰: ۲۳۲؛ فرنیق و آذرباد، ۱۳۸۴: ۲۳/۸). «خلاصه برخی از فقرات فرگرد سیزدهم و نوزدهم و نوزدهم و نوزدهم و نوزدهم است: سزای کسی که سگ شبانی را چنان بزند که جان بسپارد هشتصد تازیانه است. سزای کشتن سگ خانگی هفتصد و سزای کشتن سگ شکاری ششصد تازیانه است» (پورداد، ۲۵۳۶ الف: ۲۱۵). به ذکر نمونه‌های دیگری از وجود قوانین کشوری راجع به حیوانات و مسئولیت نگهداری از آن‌ها در شاهنامه می‌پردازیم.

۱-۱۰-۷- قانون و فرمان بهرام شاه

ور آهنگ بر میوه داری کند	اگر اسب در کشتزاری کند
سوار سرافراز گری بها	ز زندان نیابد به سالی رها
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۵۱۶/۶)	

در زمان بهرام گور قانون چنین بود که اگر کسی با هر مقام و مرتبه لشکری و کشوری از حد و حدود خود تجاوز نماید با اسب وارد کشتزاری شود یا قصد دست درازی به میوه و محصول مردم نماید یک سال تمام زندانی می‌شد.

۲-۱۰-۷- قانون و فرمان هرمزد شاه

منادیگری بر کشیدی خروش	که ای نام داران بافرّ و هوش
اگر کشتمندی شود کوفته	وز آن رنج کارنده آشوفته
وگر اسب در کشتزاری شود	کسی نیز در میوه داری شود
ذم اسب و گوشش ببايد برید	سر دزد بر دار باید کشید
	(فردوسی، ۱۳۸۶: ۴۸۴/۷)

در زمان هرمزدشاه قانون چنین بود که اگر به کشتزاری صدمه برسد و موجب رنج و آشفتگی صاحب آن شود یا به میوه و محصول مردم دست برده شود یا اسب وارد کشتزاری شود سر دزد را به دار کشیده، ذم و گوش اسب را می‌بریده‌اند. قانون درمورد همه افراد جامعه یکسان لازم الاجرا بوده‌است. روزی اسب پرویز پسر هرمزدشاه وارد کشتزاری شده به زمین و محصول صدمه می‌زند، پرویز انتظار دارد از واقعه چشم‌پوشی شود اما هرمزدشاه فرمان می‌دهد طبق قانون کشور، گوش و ذم اسب پرویز بریده شود و خسارت وارد شده به کشتزار توسط پرویز جبران شود. فرمان هرمزد به سرعت انجام می‌پذیرد (همان: ۴۸۵/۷).

۸- میدان‌های اسب دوانی در شهرهای ایران

از گذشته‌های دور میدان‌های اسب‌دوانی و سوارکاری در شهرهای ایران موجود بود. برای نمونه «خسرو پرویز در نزدیکی مدائن شهری به نام رومیه بنا کرد. کسری در آن شهر چندین حمام و یک میدان اسب دوانی بنا نمود» (کریستن سن، ۱۳۸۰: ۲۷۸). در کتاب تاریخ ساسانیان اشاره شده قوم ایرانی از قدیم‌ترین ایام به مهارت در سوارکاری معروف بوده‌است (همان: ۷۹). اسب، فیل، شیر و مانند آن در میان سایر ملل و تمدن‌ها نیز دارای ارزش بوده است. چنان‌که در پیمان‌های صلح و دوستی جزو هدایای پیش‌کشی به شاه پیروز، حیواناتی مانند اسب، فیل و شیر بوده‌اند. در حجاری‌های نقش رستم و کوه شاپور غلبه شاپور پادشاه ایران بر امپراطور روم حجاری شده‌است. تصویر پادشاه ایران در مرکز حجاری فاتحانه سوار بر اسب و امپراطور روم پیاده است. چند نفر در تصویر دیده می‌شوند که فیل، اسب، چند تاج، یک کیسه که ظاهراً پول است و دوشیر در زنجیر پیش‌کش می‌آورند.

۹- قداست اسب

اسب نزد ایرانیان دارای قداست بوده‌است. «در ایران باستان تصویر اسب را روی دیوار معابد و ستون‌های اماکن مقدس مانند آتشکده‌ها رسم می‌کرده‌اند یا مجسمه‌های اسب را نصب می‌کردند» (کریستن سن، ۱۳۸۰: ۱۱۴). قداست اسب در قرآن مذکور است؛ به اسب و آتشی که از سُم او می‌جهد سوگند یاد

می‌شود. سوره عادیات (۱۰۰) آیات ۱ و ۲ می‌فرماید: وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا، فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا؛ سوگند به مادیان‌هایی که با همهمه می‌تازند و با سُم خود برق می‌جهانند.

گذشته از اسب، گاو نیز حرمت خاصی دارد. قرآن عظیم برای گاو حرمت قائل می‌شود، به گونه‌ای که دومین سوره از قرآن به نام گاو (بقره) است.

۱۰- حرمت خون گاو در شاهنامه

حرمت ریختن خون گاو چنان است که در شاهنامه فرمان صریح داریم.

مریزید هم خون گاو و رز	که ننگی بود گاو کشتن به مرز
ز پیری مگر گاو بیکار گشت	به چشم خداوند خود خوار گشت
نباید دگر کشت گاو رهی	که از مرز بیرون شود فرهی

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۵۵۵/۶)

بهرام شاه در حرمت خون گاو فرمان صریح دارد. می‌فرماید گاو رهی را نباید کشت زیرا موجب می‌شود فرهی و خرّمی از مرز و بوم برود. «غالباً در گات‌ها از قربانی گاو حتی در مراسم مذهبی منع و پروراندن آن برای زراعت توصیه شده است» (پورداد، ۲۵۳۶: ۳۷۳/۱). در کتاب ارداویراف نامه روایتی این گونه نقل است: «و دیدم روان مردی تنبل که او را دوانس می‌خواندند، همه بدن او را خرفستران می‌جویدند و پای راست او را نمی‌جویدند پرسیدم این تن چه گناه کرده؟ سروش اهل و آذر ایزد گفتند این روان دوانس تنبل است که چون در گیتی بود هرگز هیچ کار نیک نکرد اما با پای راست دسته‌ای گیاه به پیش گاو و رزا افکند» (ارداویراف، ۱۳۸۲: ۷۰).

روایت حاکی از ایمان به پایداری ثواب و عقاب رفتار با حیوانات است حتی اگر به اندازه انداختن دسته‌ای علوفه با پا پیش حیوان (گاو) باشد. رعایت حد و حدودها در رفتار با حیوانات به مباحث معاد و جاودانگی پیوند خورده است که حکایت از ریشه‌های عمیق حیات همواره توأمان این انواع دارد.

۱۱- وابستگی و پیوستگی حیات انسان با حیوانات در تمام شئون

تمام شئون زندگی انسان با حیوانات گره خورده است. این گره‌خوردگی از تزئینات خانه و ساختمان تا ظروف، لباس، کلاه، ابزار کار و فراتر از آن در نماد رسمی و ملی سرزمین یعنی پرچم بازتاب دارد. به طوری که باید گفت انسان و حیوانات در حیات ثانویه نیز همراه یکدیگرند. این امر می‌تواند حاکی از قدرشناسی و مهرپایی انسان نسبت به حیوانات و طبیعت باشد که علاقه ذاتی است یا ناشی از وابستگی‌های روحی و فطری انسان چنان که حیوانات و طبیعت را به حریم شخصی خود وارد می‌کند و حق و حقوق معلوم برایش قائل می‌شود. هم‌چنین حکایت از حیات واقع‌گرایانه انسان دارد.

۱۱-۱- تصویر حیوانات در گچ‌بری قصرها

اجین بودن زندگی حیوانات با زندگی انسان تا آن‌جا که نقوش تزئینی روی دیوار قصر و عمارت‌ها را تصویر حیوانات و پرندگان تشکیل می‌دهد. حفارانی که در سال‌های ۱۹۳۱-۳۲ در ام‌السعائیر و المعارید؛ دو تپه در شرق و شمال طاق کسری کاوش کرده‌اند بنیان چند کوشک ساسانی یافته‌اند. گچ‌بری‌هایی که زینت عمارات بوده با اشکال حیوانات، تصویر خرس، گراز و درخت است که طاووسان بر آن نشسته‌اند (کریستن سن، ۱۳۸۰: ۲۷۹). «تصویر حیوانات، گل و بوته در کاخ داریوش در بابل دیده می‌شود» (اومستد، ۲۵۳۷: ۲۲۱). «نماد رسمی تخت جمشید تصویر و پیکر شیر و گاو است» (همان: ۲۴۳).

۱۱-۲- تصویر حیوانات در کنار انسان بر نقوش ظرف‌ها

حضور حیوانات در کنار انسان با کاربردهای تزئینی در نقوش روی ظرف‌ها از سده‌های گذشته چشم‌گیر است. «نمونه‌ای از این ظروف جام نقره‌ای از عهد خسرو پرویز در کتاب‌خانه ملی پاریس است و خسرو را به هنگام شکار نشان می‌دهد» (کریستن سن، ۱۳۸۰: ۳۴۳). جام‌های نقره‌ای وجود دارد که نقوش شکارگاه بهرام را نشان می‌دهد. «جامی متعلق به موزه ارمنستان لنینگراد، بهرام پنجم را سوار بر شتر در شکار غزال نشان می‌دهد» (همان: ۲۰۰).

۱۱-۳- تصویر حیوانات بر لباس شخصیت‌های حجاری شده بر تخته سنگ‌ها

تابلوهای حجاری شده بر تخته سنگ‌های عظیم، نقوش حیوانات و پرندگان را نشان می‌دهد که بر لباس اشخاص حک شده‌است. بعضی جامه‌ها تصویر حیوانات مثل میش کوهی، خرس، مرغابی و حواصیل یا شاخه سدر و صورت پرندگان دارد. «تصویر حجاری شده شکار گراز در طاق بستان پادشاه را نشان می‌دهد که در قایق ایستاده و لباسش دارای نقش اژدها است. همین نقش در جامه خسرو پرویز سوار بر اسب دیده می‌شود» (کریستن سن، ۱۳۸۰: ۳۳۸).

۱۲- کلاه ملکه و شاهزاده به شکل سر حیوانات

حجاری‌های موجود نشان می‌دهد تصویر حیوانات علاوه بر پارچه و لباس، روی کلاه نیز استفاده می‌شد. در نقش رستم در جوار صورت تاج‌گذاری اردشیر اول کتیبه‌ای است کوچکتر از آن به امر بهرام دوم حجاری شده و شاه را پیاده در وسط خانواده‌اش نشان می‌دهد. «در تصویر، کلاه ملکه و شاهزاده به شکل سر حیوانات است. در کتیبه نقش رستم دونفر کلاهی به شکل سر حیوان به سر دارند. این تصویر بر سکه‌های آن دوره نیز رسم شده است» (کریستن سن، ۱۳۸۰: ۱۶۸).

۱۳- نقش حیوانات در درفش کاویان

درفش کاویان که ایرانیان آن را متعلق به ادوار باستانی تاریخ خویش می‌دانند بنابر قول طبری «این درفش از پوست پلنگ بود» (طبری، ۱۳۶۳: ۲۱۷۵/۵). بنابر روایت مطهر بن المقدسی «درفش در آغاز از پوست بزغاله یا از چرم شیر بود، بعد ایرانیان آن را از زر و پارچه زرین ساختند» (مقدسی، ۱۳۵۰: ۱۲۲/۳). بنابر روایت شاهنامه از چرم آهنگران بود:

از آن چرم که آهنگران پشت پای
همان کاوه آن بر سر نیزه کرد
پوشند هنگام زخم درای
همان گه ز بازار برخاست گرد
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۶۹/۱)

«درفش کاویان از جمله علامات شاهی بود. در زمان جنگ آن را پیشاپیش سپاه می‌بردند و در میدان جنگ به زینبندترین پهلوانان می‌سپردند» (کریستن سن، ۱۳۸۰: ۳۶۱).

۱۴- نقش حیوانات بر مهر سلطنتی

بنابر شواهد تاریخی حداقل از زمان ساسانیان اطلاع دقیق در دست داریم که بر مهر سلطنتی نقش صورت گراز بود. «فرمان‌های سلطنتی، معاهدات و سایر اسناد دولتی را با مهری که عبارت از حلقه‌ای منقش به صورت گراز (وراز) بود مهر می‌کردند» (کریستن سن، ۱۳۸۰: ۲۸۳).

۱۵- نقش حیوانات و پرندگان در پرچم ایران

به استناد تاریخ از زمان باستان، عقاب زرین، درفش ایران بوده‌است. یک نشان زر با نقش عقاب از دوره هخامنشیان در موزه لندن موجود است. علامت اقتدار هخامنشیان عقاب بوده‌است. «در لشکرکشی کورش به سوی بابل در ۵۳۹ پیش از میلاد، درفش پادشاهی ایران شاهینی از زر ساخته شده بود که بر نیزه افراشته بودند. پس از سپری شدن شاهنشاهی هخامنشی و دست یافتن اسکندر بر ایران در پایان سده چهارم پیش از میلاد عقاب؛ نشان اقتدار ایرانیان رفته‌رفته در اروپا رواج یافت» (پورداد، ۲۵۳۶ب: ۳۱۷/۲). زمانی عقاب و برخی حیوانات دیگر تصویر پرچم ایران بود. تصویر عقاب بر سکه‌های به جامانده از گذشته به چشم می‌خورد. «یک دسته از شهریاران پارس که در قرن دوم قبل از میلاد حکمرانی کرده‌اند، سکه‌هایی یادگار گذاشته‌اند با نقش معبد و پرچم، در بالای پرچم تصویر مرغی که گویا عقاب است دیده می‌شود» (کریستن سن، ۱۳۸۰: ۵۸). نام عقاب در اوستا به صورت سنه‌است. «محققان آن را به شاهین و عقاب ترجمه کرده‌اند» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۹ / ۱۳۸۹۹؛ فضیلت، ۱۳۸۹: ۳۴۲؛ رستگار فسایی، ۱۳۷۰: ۱ / ۵۸۸). در اساطیر ایرانی شاهین یا عقاب جایی مخصوص به خود دارد و به عنوان پیک خورشید معرفی شده‌است. «در برخی توصیف‌ها اهورا مزدا به سر عقاب تشبیه شده که شاید مقصود سنه (سیمرغ) اوستا باشد» (یاحقی، ۱۳۸۶: ۵۰۹). فرهنگ ریشه شناسی فارسی در معنی «سیمرغ واژه عقاب را آورده است» (هرن و هوبشمان، ۱۳۹۴: ۲۹۱). به این ترتیب عقاب زرین یا نقش عقاب بر پرچم ایران می‌تواند نمادی از اهورامزدا یا سیمرغ باشد. «نماد همیشه محتوایی بیش از مفهوم روشن و آبی خود دارد» (یونگ، ۱۳۸۱: ۸۸؛ فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۶۳). در شاهنامه چندین بار از درفشی با نام همای یاد شده و همای به معنی عقاب است:

دمان از پسش زنگه شاوران
درفشی پس پشت پیکر همای
بشد با دلیران و گنداوران
هر آن کس که از شهر بغداد بود
همی راند چون کوه آهن ز جای
همه بر گذشتند زیر همای
که با نیزه و تیغ پولاد بود
سپهد همی داشت بر پیل جای
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۲/۳)

نتیجه‌گیری

زندگی حیوانات هرگز از زندگی انسان جدا نبوده و نیست، بلکه از آغاز خلقت تاکنون پا به پای هم پیش آمده، اسطوره‌ها را پشت سر نهاده به تاریخ پیوسته‌اند. در جهانی که حق و حقوق انسان هم بعضاً به رسمیت شناخته نمی‌شود شاهنامه از حقوق حیوانات سخن می‌گوید. التزام و تعهد به مبانی انسانیت و موازین عدالت و پایبندی به اخلاق و رعایت اصول اخلاقی و انسانی در جزء جزء اثر نهادینه است. حیوانات و پرندگان بخشی از محیط زیست را تشکیل می‌دهند. حفظ بقا و سلامت آنها ارتباط مستقیم با حفظ بقا و سلامت انسان دارد. بقای انسان و حفظ بقای انسان در حفظ طبیعت سالم و حفظ محیط زیست سالم است که جانوران یا به تعبیر شاهنامه جنبندگان بخشی از آن هستند. طبق مکتوبات شاهنامه از دوران اساطیری تا دوران تاریخی در نحوه رفتار و مراقبت از حیوانات قانون و دستورالعمل مشخص داریم؛ حق برخورداری از امن و آرام، حق داشتن خوراک مناسب، حق بروز دادن واکنش در موقعیت‌ها، حق زیستن با هم‌نوع و داشتن جفت، حق برخورداری از گفتار و رفتار نرم و ملایم، حق پرورش یافتن حیوانات سودمند، ادای حق حیوانات با بهره جستن از توان و هیبت آن‌ها در جنگ و بزم گرچه خون‌خواهی شاه باشد، حق دریافت پاداش فراخور به ازای انجام کار و خدمت، قدرشناسی و مهربانی نسبت به حیوانات تا نگاه داشت تصویر و مجسمه آن، نماد شناسی و تفأل زدن به جاندارانی چون شیر و عقاب، گوشه‌ای از حقوق حیوانات است که حکیم بدان اشارت می‌کند.

منابع

- ۱- قرآن، (۱۳۷۳)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم.
- ۲- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد. (۱۳۶۶). سفرنامه، ترجمه و توضیح جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ۳- ابن مسکویه الرازی، ابو علی احمد. (۱۳۶۹). تجارب الامم و عواقب الهمم، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.
- ۴- ارداویراف. (۱۳۸۲). ارداویراف نامه، ترجمه و تحقیق زاله آموزگار، تهران: معین.
- ۵- اصفهانی، حمزه بن حسین. (۱۳۶۷). تاریخ پیامبران و شاهان، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ۶- الیاده، میرچا. (۱۳۸۴). اسطوره و رمز در اندیشه میرچا الیاده، ترجمه جلال ستاری، تهران: مرکز.
- ۷- انوشه، حسن. (۱۳۷۶). فرهنگ نامه ادبی فارسی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- ۸- اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۷۸). دانش نامه مزدیسنا، تهران: مرکز.
- ۹- اومستد، ات. (۲۵۳۷). تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه محمد مقدم، تهران: امیرکبیر.
- ۱۰- برهان، محمدحسین بن خلف. (۱۳۶۲). برهان قاطع، گردآورنده محمدمعین، پنج جلد، تهران: امیرکبیر.
- ۱۱- بهار، مهرداد. (۱۳۷۶). از اسطوره تا تاریخ، گردآورنده: ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: چشمه.
- ۱۲- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۶۳). آثار الباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران: امیرکبیر.
- ۱۳- پورداد، ابراهیم. (۲۵۳۶ الف). فرهنگ ایران باستان، بخش نخست، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۴- (۲۵۳۶ ب). پشت‌ها، دو جلد، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۵- ثعالبی، حسین بن محمد. (۱۳۷۲). تاریخ غررالسیر، ترجمه محمدروحانی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۱۶- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۹۱). یادداشت‌های شاهنامه، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ۱۷- خلیلی جهان تیغ، مریم و دهرامی، مهدی. (۱۳۹۰). «ادبیات تعلیمی و تربیتی در شاهنامه فردوسی»، پژوهش نامه ادبیات تعلیمی، سال سوم، شماره یازدهم، ص ۴۱-۵۸.
- ۱۸- دوران، ویل. (۱۳۶۷). تاریخ تمدن، ترجمه احمدآرام و گروه مترجمان، یازده جلد، تهران: شرکت سهامی.
- ۱۹- دوستخواه، جلیل. (۱۳۷۰). اوستا، دو جلد، تهران: مروارید.
- ۲۰- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، جلد ۹، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران با همکاری انتشارات روزنه.
- ۲۱- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۰). فرهنگ نام‌های شاهنامه، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۲۲- رضی، سیدشرف. (۱۳۷۴). نهج البلاغه، ترجمه محمدجواد شریعت، تهران: اساطیر.
- ۲۳- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۹). حماسه‌سرایی در ایران، تهران: امیرکبیر.
- ۲۴- طبری، محمدبن جریر. (۱۳۶۲). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- ۲۵- فتوحی رود معجنی، محمود. (۱۳۸۶). بلاغت تصویر، تهران: سخن.
- ۲۶- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلام.
- ۲۷- -----، -----، (۱۳۷۴). شاهنامه، تصحیح ژول مول، چهار جلد، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۲۸- فره‌وشی، بهرام. (۱۳۸۱). فرهنگ زبان پهلوی، دانشگاه تهران.
- ۲۹- فضیلت، محمود. (۱۳۸۹). فرهنگ نام‌های شاهنامه، کرمانشاه: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۳۰- کریستن سن، آرتور. (۱۳۸۰). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: صدای معاصر.

- ۳۱- _____ (۱۳۷۷). نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه.
- ۳۲- مستوفی قزوینی، حمدالله. (۱۳۶۱). تاریخ گزیده، به کوشش ادوارد براون، تهران: دنیای کتاب.
- ۳۳- معین، محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی، شش جلد، تهران: امیرکبیر.
- ۳۴- مقدسی، مطهر بن طاهر. (۱۳۵۰). آفرینش و تاریخ، ترجمه و تعلیقات محمد رضا شفیعی کدکنی، شش جلد، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۳۵- موله، ماریژان و همکاران. (۱۳۸۱). سرزمین جاوید، ترجمه و اقتباس ذبیح‌الله منصوری، چهار جلد، تهران: زرین.
- ۳۶- هرن، پاول و هوبشمان، ماینریش. (۱۳۹۴). فرهنگ ریشه‌شناسی فارسی، مترجم جلال خالقی مطلق، اصفهان: مهرفروز.
- ۳۷- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- ۳۸- یانگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۱). انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانیه، تهران: جامی.

Animal Rights Law in Shahnameh

Ashraf al-Sadat Mousavi Fard¹, Ali Eshghi Sardehi², Saeed Rozbahani³

¹PhD student, Department of Persian Language and Literature, Sabzevar branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran.

²Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran.

Email: eshghi@iaus.ir

³Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Sabzevar Branch, Islamic Azad University, Sabzevar, Iran.

Abstract

The continuity of animal life to human life is such that history of civilization and progress and civilization is not separate from their existence. In every day life feasts and celebrations, war and battle, gaining victory, peace treaty friendship, equestrian hunting, protection and guarding, decorative and symbolic applications, the presence of all kinds of animals can not be ignored. Naturally, this constant presence requires the enactment of laws and the enforcement of laws. In Shahnameh, it exists from the rule of the Pishdadians to the Sassanids, in relation to animals, executive orders and instructions. There are many cases that indicate the existence of a law in this field. The king's decree was in fact the enactment of the law. Attention to animal rights researched its peak with the compilation of Shahnameh. Among the ancients, Abolghasem Ferdowsi has dealt with this issue most of all. Many verses of the Shahnameh refer to the rights of animals. Among these rights, animals have the right to be safe and secure, to be reared and fed, and to call animals in a soft voice. This brief explores how animals are treated and the laws associated with them. The research method is data review and analysis based on the contents of Shahnameh.

Keywords Rights, Animals, Law, Civilization, Shahnameh.